

نقش دل‌بستگی به مکان در هویت بخشی به رودخانه‌های درون شهرها نمونه موردی (رودخانه کارون)

امیر نوری مکرّم

داوطلب اخذ درجه دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

Amino_3330@yahoo.com

چکیده

شهرها به عنوان مکان زندگی و فعالیت انسان، نه تنها بخش مهمی از محیط می باشند بلکه علاوه بر تاثیر گذاری بر محیط زیست، باعث بهبود کیفیت زندگی، احساسات و ایجاد حس دل‌بستگی به مکان می گردند و از آنجا که ادراک مکانی نتیجه تعامل انسان با عناصر درون محیط است، وجود رودخانه هم می تواند به عنوان یک عنصر طبیعی در شهر، در هویت مندی آن تاثیر به سزایی داشته باشد. این پژوهش با انگیزه توجه به اهمیت دل‌بستگی و ابعاد آن با تبیین شاخص های دل‌بستگی به مکان، نقش آن را در ایجاد مطلوبیت و هویت رودخانه کارون بررسی می کند. پژوهش مذکور با روش مطالعه نمونه موردی و مطالعات میدانی و مصاحبه حضوری با شهروندان اهوازی و گردشگران و بازدیدکنندگان از پارک ساحلی رودخانه کارون و تحلیل آن با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی انجام شده است. امید است نتایج تحقیق بتواند عوامل موثر بر ایجاد دل‌بستگی به رودخانه به عنوان یک مکان هویت مند برای ساکنین و گردشگران این شهر را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: ادراک مکانی، رودخانه کارون، شهر، محیط زیست، هویت.

مقدمه

تضعیف حس مکان و دل‌بستگی به آن موجب تغییر در احساس و تصور مردم از مکان شده است. تاریخ نشان می دهد که انسان هر چه بر توانایی های علمی خود افزوده از تنش و واکنش های هماهنگ و بی واسطه بین خود و طبیعت کاسته است حال آنکه دوری فیزیکی از طبیعت، عدم دل‌بستگی و فقدان تاثیرات روحی-روانی را به دنبال داشته است. منطقی نیست که منافع مستقیم تماس خود با طبیعت را تشخیص دهیم ولی به بقای آن اهمیت ندهیم (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰). از آنجا که معنا و دل‌بستگی و ایجاد یک تصویر ذهنی منطبق با عینیت، از خواص مکان

است هر گونه آسیب به آن مکان موجب مخدوش شدن هویت آن منطقه می‌شود، در این راستا رودخانه کارون در شهر اهواز که دارای ویژگی‌های اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و فعالیتی با ارزش بوده انتخاب شده تا ضمن بررسی شاخص‌های دل‌بستگی به مکان و ارزیابی آنها بتوان مفاهیم گوناگونی در رابطه با پیوند میان انسان و طبیعت مورد توجه قرار داد که مبین چگونگی عمق حضور انسان در مکان و به تبع آن دستیابی به سطوح مختلفی از دل‌بستگی و هویت مندی آن مکان باشد. مقاله حاضر در پی بررسی روابط درونی میان مفاهیم مذکور می‌باشد.

بررسی مفهوم مکان از دیدگاه‌های گوناگون

بررسی مفهوم مکان بر اساس دیدگاه پدیدارشناسی مبین این است که مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی بوده و مجموعه‌ای از عناصری است که در کنار یکدیگر کاراکتر محیطی را تعریف می‌کنند؛ چیزی که در واقع ماهیت مکان محسوب می‌شود. (Norberg schulz, 1975, 431). ماهیتی که بر اساس نوعی آگاهی و ادراک قرار دارد و مکان‌ها را مرکزی پر محتوا و عمیق از هستی وجود بشری تعریف می‌کند. Relph, (1976).

دیدگاه انتقادی نیز در خصوص مکان تأکید خود را بر وجود تعاملات اجتماعی پویا و جاری و همچنین ارتباط و آمیزه‌ای از درون و برون قرار داده و ویژگی‌هایی نظیر جهانی شدن، اقتصاد، فرهنگ، روابط و ارتباطات اجتماعی و... که به طور مستمر در مکان در حال بازتولید می‌باشند را دلیلی بر منحصر به فرد بودن مکان‌ها می‌داند (Messy, 1994, 146- 157).

از سویی دیگر دیدگاه اثبات‌گرایی، تفاوت میان ارزیابی مردم از مکان‌ها را ناشی از تفاوت میان انسانها دانسته آن را بیانگر محور اصلی و نقطه ثقل "سامانه مفهومی" مردم در ارتباط با یک مکان مشخص قلمداد می‌کند (Canter, 1977, 113- 105). بر این اساس مکانها مرتبط با انسان بوده و نتیجه روابط متقابل میان سه عامل «رفتار انسانی»، «مفاهیم» و «ویژگی کالبدی» مربوط به آن می‌باشند که با تأکید به هر یک از مولفه‌های مذکور، هر مکان خاص، ساختارهای مفهومی متفاوتی را برای افراد گوناگون می‌پذیرد.

علاوه بر مباحث فوق، یکی دیگر از موضوعات عمده در خصوص مکان، بحث ساختار مکان و دیالکتیک درون و برون است که عامل اصلی در چگونگی حضور انسان در مکان و تجربه مکان می‌باشد. بر این اساس، رلف مجموعه‌ای از این روابط را در سلسله مراتبی هفت‌گانه از تجربه حضور فرد در یک مکان به شرح زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

- برون بودن وجود
- برون بودن عینی
- برون بودن اتفاقی
- درون بودن با واسطه
- درون بودن رفتاری
- درون بودن عاطفی
- درون بودن وجودی

دل‌بستگی به مکان

در لغت نامه دهخدا از دل‌بستگی به معنای محبت، رغبت، دوستی، مودت، عشق و گرایش خاطر، یاد می‌شود. دل‌بستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان‌ها، نقش مهمی را در مطالعات روانشناسی محیط بازی می‌کند. (Giuliani, ferrara, & Barabotti, 2003; Altman & Low, 1992).

در اثر این رابطه، مکان به لنگرگاهی روانی (Psychological Anchor) بدل می‌شود. اغلب این دل‌بستگی مکانی از سطح تجربه‌های احساسی - شناختی فردی می‌گذرد و با احساس مشترک جمعی در محدوده فضایی وسیع تر گره می‌خورد (رضازاده، ۱۳۸۰: ۷) در تأیید این نکته می‌توان به گفته الکساندر در کتاب «زبان الگو» اشاره کرد: «مردم به فضاهای هویت مند نیاز دارند تا به آنها تعلق و دل‌بستگی داشته باشند» (Alexander & Ishikava, 1977: 81). نیاز به این دل‌بستگی مکانی چنان است که حتی اگر کسی درصدد نفی تعلق خود به یک مکان خاص باشد، این کار را از طریق منتسب کردن خویش به یک مکان دیگر انجام می‌دهد. نمونه بارز آن برخی از مهاجران شهرستانی در شهرهای بزرگی چون تهران هستند. آنها با تلاشی برای تهرانی جلوه دادن خود، سعی پنهان نمودن یا نفی شهرستانی بودنشان دارند، اما هرچقدر هم در این زمینه موفق باشند و بتوانند هویت جدید شان را به بقیه بقبولانند، در برابر یک امر درونی توان مقابله ندارند و آن خاطره و تداعی است. خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید. انسان می‌تواند به جایی تعلق داشته باشد بدون آنکه آنجا را دوست داشته باشد یا از آن متنفر باشد اما به محض این که خاطرات مطرح می‌شوند، وی به موضع‌گیری احساسی در برابر مکان می‌پردازد. خاطره همیشه در ذهن باقی می‌ماند و فرد نمی‌تواند از آنها دور شود. پس خاطره یک منبع ذهنی خودجوش است، البته با نظامی ضد موزه‌ای. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد، در بند مکان است. (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۵). به همین دلیل از نظر گاستون بشلار، خاطرات مجموعه‌های ساکنی هستند که موجودیت شان به کم و کیف جای‌گیریشان در فضا بستگی دارد، و فضا به واسطه زنده شدن خاطره‌ای رنگ و بوی خاصی به خود می‌گیرد.

برقراری این تعامل عاطفی، موجب پیوند انسان با فضا و معنا بخشی به فضا را فراهم می‌کند و باعث علاقه بیشتر به مکان می‌شود. همچنین دل‌بستگی به مکان با تأثیر و تأثر متقابل کنش‌ها، اعتقادات، خاطرات و تعلق مکان مرتبط است (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983: 59).

بررسی هویت، هویت مکان و دل‌بستگی به آن

در این مقاله معنی هویت معادل کلمه Identity در زبان انگلیسی به معنای پاسخی به پرسش در خصوص چیستی یا کیستی موجودات است. تنها پدیده‌ای که دغدغه هویت دارد انسان است. زیرا به گفته سارتر در مورد انسان «وجود بر ماهیت تقدم دارد». این سخن بدان معناست که برخلاف سایر موجودات انسان بدلیل داشتن اختیار به طریق مختلف به کیستی خود می‌اندیشد و به این ترتیب نظم زیستی وی به مبارزه آگاهانه یا نا آگاهانه اش برای تأمین هویت شخصی می‌انجامد (افروغ، ۸۰: ۱۳۷۷). انسان بودن به معنای زیستن در دنیایی سرشار از مکان‌های با اهمیت است. انسان بودن به معنای برخورداری از مکان و شناخت نسبت به این برخورداری است. به تعبیر مارتین هایدگر «مکان جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیاست» (افروغ، ۱- ۵۰: ۱۳۷۷).

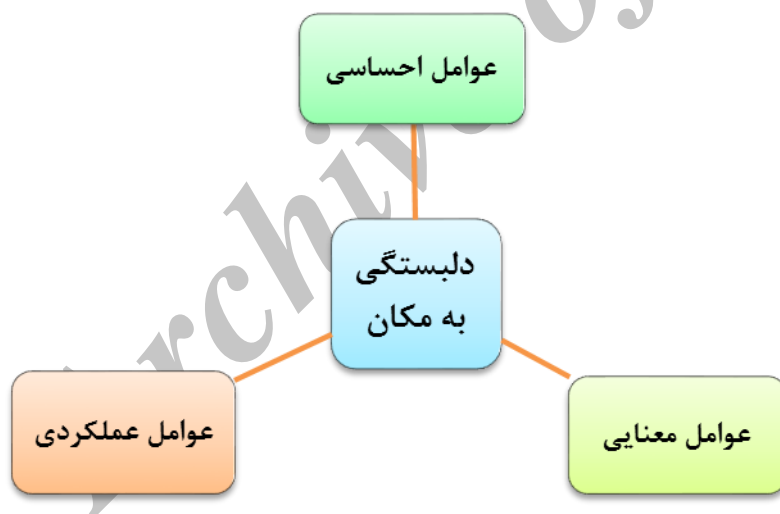
رابطه میان انسان و مکان دو طرفه است، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مترتب می‌سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه شده تبدیل می‌کند و به همین ترتیب مکان می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل گذارد. چرا که به واسطه معنایش به ارزشها و کنش‌های انسان خط می‌دهد. به همین خاطر هویت مکان، بخشی از هویت شخصی است. هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد. بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. در عین حال در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد (سجاد زاده، ۳: ۱۳۹۲). «بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد. میان فرد و آن مکان رابطه عمیق وجود دارد، رابطه‌ای عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان» (رضازاده، ۵: ۱۳۸۰).

به نظر گابریل مارسل یک فرد جدای از مکان خود نیست، او همان مکان است و اگر معتقد است که زمان، مکان، انسان و عمل، هویت غیر قابل تفکیکی را می‌سازند. بنابراین معنا و عمل عناصری درهم تنیده اند که در فهم هویت مکان باید در نظر گرفته شود. در مجموع هویت مکان به نحوی به عناصر سه گانه محیط فیزیکی (فرم)، فعالیت (عملکرد) و معنا بر می‌گردد. سه عنصر مزبور غیر قابل تبدیل به یکدیگر بوده، اما بطور غیر قابل تفکیکی در فهم ما از مکانها پیوند خورده اند. هویت مکان در عین آنکه وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماع پذیری

اوست، انعکاس دهنده افراد و گروههایی است که در آن مکان خاص زندگی می کنند(Proshansky, 1978:155). دل بستگی به مکان در نحوه ادراک هویتی فردی و جمعی تأثیر گذار بوده و مبتنی بر فعالیت هایی است که افراد در غالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می دهند(Altman & Low, 1992). حس مکان به توانایی مکان در برانگیختن احساسات انسانی بواسطه کیفیاتی بستگی دارد که آن را از سایر مکانها متمایز می کند(Lynch, 1960) و هویت مکان تشکیل شده از تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد(Relph, 1976:56). در عین حال هویت مکان نوعی دل بستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و احساسات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می بخشد(Willams & Vaske, 2003:830). حس مکان نیز وابسته به احساس و تصور افرادی است که کاملاً مکان را تجربه کرده و مربوط به نیاز هویت بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن یک مکان با هویت برای افراد است.

شاخص های دل بستگی به مکان

دل بستگی به مکان از مجموع ویژگی های محیطی و الگوی ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از خصوصیات محیط فیزیکی و ارزیابی آنها توسط بهره برداران ایجاد می شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است(Riley, 1992). دل بستگی به یک محیط خاص متأثر از کیفیات و ویژگی های مکان است. ویژگی های هر مکان نیز نمودار و پتانسیل ها و خصوصیات منحصر به فرد آن مکان است. همچنین رلف " درون مکان بودن " را به معنی تعلق داشتن و به آن وابسته بودن می داند و حضور می داند هر چه حس درون بودن عمیق تر باشد، حس هویت با مکان نیز قوی تر خواهد بود. بنابراین دل بستگی به مکان ناشی از تعامل افراد با مکان، معانی و ویژگی های مرتبط محیطی است که فرد را راغب به ماندن در آن مکان می کند و بواسطه حس فضایی آن مکان میسر می شود. بر این اساس مولفه ها و شاخص های مهم در دل بستگی به مکان را می توان بصورت نمودار ۱ نشان داد.



نمودار ۱: چهارچوب مفهومی دل بستگی به مکان. مأخذ: نگارنده

عوامل معنایی

مفهوم دل بستگی به مکان در قلمرو تداعی معنایی محیط تعریف می شود. معنا مربوط به جنبه روانشناسی و ادراکی تجربه محیط است و در این محدوده دل بستگی به مکان به عنوان نقطه اتصال فرد و محیط تعریف می شود(Hernandez, 2001; 121). مطالعات نشان می دهد که معانی نمادین مکان نقش مهمی در دل بستگی به مکان ایجاد می کند لذا اهمیت ارتباطات اجتماعی در مکان، نباید مورد غفلت واقع شود.

عوامل عملکردی

این عوامل بر کیفیت مکان در پاسخگویی به نیازهای کاربران در مقایسه با سایر مکانهای مشابه موجود اشاره دارد وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوهای فعالیتی موجود در آن است (Willams & Vaske, 2003:18).

عوامل احساسی

یکی از ویژگی‌های اصلی دل‌بستگی به مکان، روابط احساسی نزدیک با مکان است. به این ترتیب دل‌بستگی به مکان پیوندی مؤثر و ماندگار را با مکان‌هایی که مردم از آن استفاده می‌کنند برقرار کرده و در آنجاست که آنها احساس آسایش و آرامش بیشتری دارند.

آشنایی با نمونه مورد مطالعه

رودخانه کارون

کارون بزرگ، رودی که در سنگ نوشته‌های باستانی کرن، کرنک و کوه‌رنگ نامیده شده و اولین تمدن‌های بشری سرچشمه خود در ارتفاعات زاگرس میانی تا بستر پهن و گسترده در مصب، جریان یافته و بزرگترین و طویل‌ترین رود ایران و خاورمیانه است. رودخانه ابتدا در جهت عمومی شمال غرب و سپس در جهت جنوبی از میان بلندی و پستی‌های زاگرس به سمت جلگه خوزستان حرکت کرده و پس از خروج از کوهستان و اتصال تعداد زیادی رود به آن، در شمال شوشتر به دو شعبه تقسیم می‌شود. شعبه خاوری گرگر یا دودانگه و شعبه باختری که بزرگتر است شطیپ یا چهاردانگه نامیده می‌شود.

دو رود شطیپ و گرگر و رودخانه دز که بزرگترین ریز آب‌های کارون هستند در حوالی محلی به نام بند قیر در نزدیکی شوشتر بهم متصل می‌شوند و کارون بزرگ و حیات بخش را با طول حدود ۸۵۰ کیلومتر و عرضی متفاوت، از دره‌های تنگ و عمیق می‌سازند. پس از آن رودخانه وارد اهواز می‌شود و با مشروب ساختن نواحی حاشیه‌ای شهر که در کنار آن شکل گرفته است، از وسط آن عبور کرده و از سمت جنوب شهرستان به سمت خرمشهر جریان می‌یابد. در شرق شهر خرمشهر به دو شاخه تقسیم می‌شود. شاخه غربی به نام بهمنشیر به جنوب غربی جریان یافته و از طریق خور موسی به خلیج فارس راه می‌یابد و شاخه شرقی از جنوب خرمشهر گذشته و به اروندرود می‌ریزد.



نقشه رودخانه کارون در اهواز



رودخانه کارون مأخذ: نگارنده

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و با استخراج از شاخص‌های دلبستگی به مکان روش پیمایشی، توصیفی و مشاهده‌ای با استفاده از تحلیل آماری به ارزیابی آن در نمونه موردی می‌پردازیم. جامعه آماری، گروه سنی، شغلی، اجتماعی، جنسی، مدت سکونت،... می‌باشد. بدین منظور ۱۰۰ پرسشنامه با ده سؤال متنوع طرح شد که مجموع اهداف تحقیق را تأمین کند. مصاحبه شونده‌گان به طور تصادفی از میان بازدیدکنندگان پارک ساحلی حاشیه کارون و صرف نظر از موقعیت اجتماعی یا زمینه شغلی و درآمدشان انتخاب شدند. ابتدا به افرادی که در ساحل کارون بودند درباره هدف تحقیق و روند پاسخگویی اطلاعاتی داده و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار افراد علاقمند قرار می‌گرفت و از آنها خواسته می‌شد که در طی اقامتشان در آنجا به این سوال‌ها پاسخ داده شود.

پرسشنامه‌ها طی هفته و آخر هفته و در ساعات مختلفی از روز و بخش‌های متفاوتی در پارک ساحلی پارک ساحلی حاشیه کارون پخش گردیدند، پرسشنامه‌ها مباحث مختلفی را در بر گرفته (کلاً ۱۰ سوال و شامل: مشخصات فردی، تفریحات مورد علاقه، امکانات و زمان مراجعه به ساحل کارون، عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیط بوده که با هدف کمک به طراحی سایت حاشیه کارون بوده، در قالب سه بخش و در موضوعات شاخص‌های دلبستگی مرتب و تدوین گردید که در این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. سه پرسش اصلی مطرح شده عبارت بودند از:

۱- انگیزه شما از حضور در طبیعت چیست؟ (چرا مردم به ساحل کارون می‌آیند؟ چه فعالیت‌هایی نیازمند چه امکاناتی است؟)

۲- ابعاد حسی و میزان دلبستگی و علاقه شما به کارون تا چه اندازه می‌باشد؟

۳- رضایت عمومی شما از امکانات پارک ساحلی حاشیه کارون تا چه حد تأمین می‌شود؟

لازم به ذکر است که این تحقیق به طور کلی واجد یک ویژگی پژوهشی بوده و نتایج آن، اطلاعات قابل توجهی درباره نقش و میزان دلبستگی در رضایت شهروندان و کیفیت زندگی‌شان در بر داشت. در مجموع با توجه به وسعت منطقه مورد مطالعه، در پارک ساحلی حاشیه کارون و به منظور ایجاد خطای کمتر در نتایج حاصله از جامعه آماری تعداد ۲۰۰ پرسشنامه پخش شد که به آنها درصد نسبتاً بالایی (۸۵/۴٪) پاسخ جامع داده شد. در نهایت از هر دو روش تحلیل کمی (روش SPSS برای یافتن داده‌ها برای تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع‌آوری شده) استفاده گردید. سوالات چند گزینه‌ای نیز براساس آمار توصیفی پایه، متغیرهای تحلیل و عوامل تحلیل مورد مطالعه قرار گرفتند.

ارزیابی شاخص‌های دلبستگی در نمونه مورد مطالعه:

به منظور ارزیابی تأثیر دلبستگی به مکان در ایجاد فضایی با هویت از منظر استفاده‌کنندگان، پرسش‌ها در غالب سه شاخص احساسی، عملکردی و معنایی طراحی شد و براساس آن، آزمون‌های مورد نظر به عمل آمد. ابتدا با روش آماری، میزان تبیین متغیرها توسط مولفه‌های آنها مشخص برخی از مؤلفه‌هایی که ضریب پایینی داشتند، حذف شد.

جدول ۱. ارزیابی شاخص‌های احساسی عملکردی - کالبدی و معنایی دلبستگی به مکان در رودخانه کارون مأخذ: نگارنده

معنایی (فرهنگ، اعتقاد، سنت...)	عملکردی (وابستگی، رضایتمندی...)	احساس (حس مثبت،علاقه...)
<ul style="list-style-type: none"> • تناسب فرهنگ افراد در کنار رودخانه • آشنا شدن افراد با همدیگر • تناسب اخلاقی و انتقادی افراد • وجود عوامل خاطرانگیز در کنار رودخانه 	<ul style="list-style-type: none"> • قادر به توصیف رودخانه • تصور فضایی بالا نسبت به رودخانه • قادر به توصیف تعبیرات کالبدی • تصورات عملکردی و کالبدی • مناسب بودن کنار رودخانه برای استراحت 	<ul style="list-style-type: none"> • حس مباهات نسبت به رودخانه • حس مثبت نسبت به محیط رودخانه • تمایل به ماندن بیشتر در کنار رودخانه • خو گرفتن و عادت به وجود رودخانه • احساس خوب در ماندن کنار رودخانه • علاقه به گپ و گفت در کنار رودخانه • حساس بودن نسبت به تغییر شرایط رودخانه

جدول ۲. ارزیابی میزان دل‌بستگی احساسی عملکردی - کالبدی و معنایی در رودخانه کارون مأخذ: نگارنده

میزان دل‌بستگی معنایی	میزان دل‌بستگی عملکردی	میزان دل‌بستگی های احساسی
<ul style="list-style-type: none"> • بهترین مکان برای استراحت • رودخانه هویت اهواز است • کنار رودخانه مکانی مناسب برای آشنایی افراد • مکان ملاقات و تعامل افراد 	<ul style="list-style-type: none"> • بهترین مکان برای فعالیت و خرید • کارون برای من اهمیت زیادی دارد • احساس آسایش و راحتی دارم 	<ul style="list-style-type: none"> • نسبت به کارون بسیار علاقه دارم • خاطرات زیادی دارم • احساس مباهات دارم • حس لذت ماندن در کنار رودخانه را دارم • احساس آرامش و امنیت دارم

تأثیر میزان دل‌بستگی احساسی مردم اهواز به رودخانه کارون

یافته‌های مطالعاتی نشان داد رابطه نزدیکی میان تمایزات مکانها و دل‌بستگی های احساسی برای رودخانه کارون وجود دارد؛ پرآبی این رودخانه از جمله عامل تمایز این رود با سایر رودخانه‌ها در کشور شده است. عواملی که پرسش‌شوندگان و ساکنان در ارتباط با دل‌بستگی احساسی به کارون بیان کردند، بیشتر شامل احساسات و عواطف نسبت به کارون بود و میزان این عوامل در دل‌بستگی مکان با طول دوره زندگی در شهر اهواز رابطه مستقیمی داشت و همچنین بین حس مباهات و آرامش و لذت بردن کارون رابطه زیادی وجود داشت.

دقت معناداری	دل‌بستگی احساسی
٪۴۳	حس مباهات

حس آرامش در کنار کارون	٪۶۴
حس لذت ماندن در کنار کارون	٪۹۶

تأثیر میزان دل‌بستگی عملکردی مردم اهواز به رودخانه کارون

کیفیت فضایی و عملکردی متنوع استمرار بازدیدکنندگان را در خود تحقیق می‌بخشید احساس دل‌بستگی به مکان به طور مؤثر و قوی با احساس مثبت و رضایتمندی از مکان نسبت داشته، طوری که شهروندان و بازدیدکنندگان، کارون را بعنوان مکانی لذت بخش برای خود تصور می‌کنند آرامش و احساس امنیت نقش بسزایی در رضایتمندی شهروندان نسبت به کارون دارد.

دل‌بستگی معنایی	دقت معناداری
عملکرد متنوع	٪۷۴
امکان مکث و نشستن	٪۱۰۰
دسترسی مناسب	٪۶۶

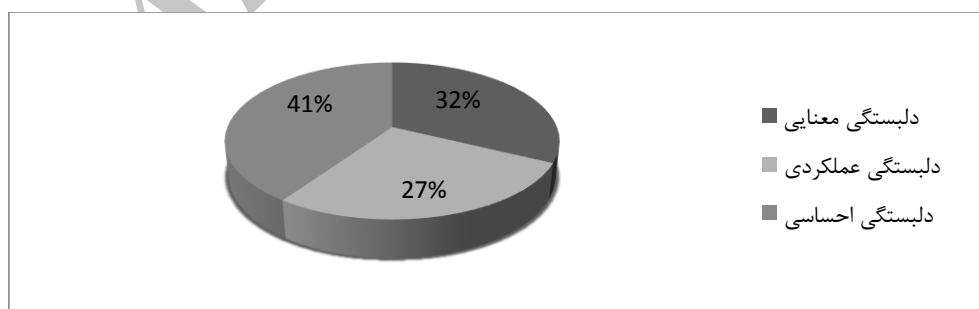
تأثیر میزان دل‌بستگی معنایی مردم اهواز به رودخانه کارون

کارون بعنوان فضایی معنادار جهت ملاقات افراد از جمله ویژگی‌های مؤثر در دل‌بستگی به آن می‌باشد و نتیجه تحقیقات میدانی در نمودار ۱ نشان می‌دهد گزینه مکان ملاقات بیشترین درصد را دارد که مؤید مطلب فوق است.

دل‌بستگی معنایی	دقت معناداری
آشنایی افراد	٪۹۶
امکان ملاقات	٪۹۸
هویت مکانی	٪۳۷

رابطه ابعاد مختلف دل‌بستگی به کارون برای مردم شهر اهواز

نکته قابل طرح آن است که طبق آمارها بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های دل‌بستگی به کارون رابطه معناداری بین دل‌بستگی احساسی، معنایی و عملکردی وجود دارد و این عوامل بر روی هم تأثیر زیادی می‌گذارند.



روابط بین دل‌بستگی‌های احساسی، معنایی و عملکردی کارون

نتیجه‌گیری

نتیجه حاضر نشان می‌دهد ضمن آنکه مولفه‌های احساسی - عملکردی - معنایی در ایجاد دل‌بستگی به رودخانه و در نهایت هویت مندی رودخانه کارون در عین حال رابطه مستقیم بین مولفه‌های مذکور وجود دارد. در ارتباط با مولفه احساسی و نقش آن در دل‌بستگی به رودخانه کارون می‌توان گفت حس آرامش و آسایش ساکنین در جداره ساحلی رودخانه و تداعی خاطره‌های فردی و جمعی به واسطه حضور در فضا از یک سو و احساس تعلق خاطر و این‌همانی؛ نقش موثری در دل‌بستگی و در نهایت هویت مند شدن چنین فضاها را داراست. همچنین حس مردم‌واری رودخانه که ناشی از عوامل مختلفی نظیر حضور اقشار متفاوت جامعه و ایجاد خاطره‌های جمعی در تعاملات آنها در فضا است موجب ارتقاء حس این‌همانی و تعلق خاطر شهروندان نسبت به رودخانه می‌شود.

در مورد ویژگی‌های عملکردی و فعالیتی رودخانه و تاثیر آن در ارتقاء دل‌بستگی به رودخانه‌های درون شهرها می‌توان گفت برآورده نکردن برخی از نیازهای فیزیولوژیکی و اقتصادی شهروندان از عوامل مهم در ایجاد حس دل‌بستگی است. و همچنین در مورد دل‌بستگی معنایی نیز می‌توان گفت معانی و مفاهیم در ساحل رودخانه کارون تا حد زیادی به تجربیات شخصی و گروهی افراد وابسته است که این موضوع هم به حس هویت مکان مرتبط می‌باشد.

منابع:

- افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۰). بحران ادراکی-رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداری‌ها، ویژه نامه شماره ۵، طراحی شهری، سازمان شهرداری‌های کشور.
- سجادزاده، حسن (۱۳۹۲). نقش دل‌بستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری. نشریه باغ نظر. شماره ۲۵، صص ۶۹-۷۸.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۰). اهل کجا هستیم: هویت بخشی به بافت‌های مسکونی. تهران: انتشارات روزنه.
- Alexander, Christopher & Sara Ishikara & Murray Silverstein, (1977). A pattern Language, oxford university Press.
- Altman, I & Low, S. (1992). Place Attachment. New York: plenum Press.
- Canter, D. (1977). A Psychology of place. Architectural Press, London.
- Giuliani, M. Ferrara, F. & Barabotti, S. (2003). One Attachment or More? Ashland, OH: Hogrefe & Huber.
- Messy, D. (1994). Space, place and Gender. University of MinneSota Press. MinneSota.
- Norberg Schulz, C. (1975). Meaning in Western Architecture. Rizzoli, New York.
- Relph, E. (1976). Place and Placelessness. Pion. London.
- Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of Place Attachment: validity and generalizability of a psychometric approach.
- Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. Journal of Environmental Psychology, 18(1): 5-29.
- Riley, R. (1992). Attachment to the Ordinary Landscape. In *Place Attachment*. Edited by Altman, I. & Low, S. M., New York: Plenum Press.

- Lynch, K.(1960). The image of the city. Cambridge, MA: MIT Press.
- Proshansky, H.M., Fabian, A.K. & Kaminoff, R.(1983). Place –Identity: physical world socialization of the self. Journal of Environment psychology,(3: 57-83.)

Archive of SID